

استاد در بند ارشاد

در باره مجوز به کتاب شفیعی کدکنی



رضا صائمی

خبرنگار گروه فرهنگ

محمدعلی مرادیان، مدیرکل دفتر توسعه کتاب و کتابخوانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، درباره وضعیت صدور مجوز مجموعه شعر جدید محمدرضا شفیعی کدکنی؛ شاعر، نویسنده و استاد زبان و ادبیات فارسی گفت: «انگته‌ای راجع به کتاب نداریم؛ منتها کتاب دارد خوانده می‌شود. به چند نفر از اهالی شعر نیز کتاب را داده‌ام تا بخوانند و نظرشان را بگویند. ان‌شاءالله درباره کتاب تصمیم گیری شود. به صورت کلی کتاب در فرآیند صدور مجوز است.»

نام کتاب شعرش، «نامه به آسمان» است، اما باید منتظر نامه انانی شود که به‌عنوان شاعر ناظر منصوب شدند تا اثرش را بخوانند و نظر دهند. اینها چه کسانی هستند؟ معلوم نیست. همان‌ها که مهرجویی می‌گفت: «اشباح». اشباحی که حتی نمی‌دانند فیلم را چگونه می‌سازند و باید مجوز فیلمنامه یکی از بزرگترین فیلمسازان تاریخ سینمای ایران را صادر می‌کردند؛ نه به این راحتی، با هزار اما و اگر زیر ساطور سانسور. حالا نوبت به استاد شفیعی کدکنی رسیده که بر قله ادبیات کشور نشسته و حالا آنها که شأن و شرف شعر را از او آموختند، باید درباره کتاب شعرش نظر دهند. شاید احتمالاً اصلاحیه‌ای صادر کنند و شعر استاد را در محاق سانسور ببرند. مثل این می‌ماند که جمعی از شاگردان که نزد شاگردان زنده‌یاد شجریان مشق‌آواز می‌کردند، مسئول ارزیابی و مجوز آلبوم موسیقی او شوند. آنها که اهل ادب و ادبیات هستند، خوب می‌دانند که شأن و جایگاه علمی استاد شفیعی کدکنی چیست. حتی اگر نظرات و بازخوانی کتاب، بخشی از آیین و آداب اداری و سازمانی هم باشد اما مقتضای ادب نیست که برای آن که خود، استاد و عالم ادبیات است، کسانی را بگمارند تا از اثر او غلط احتمالی بگیرند یا دستور به اصلاح بدهند. او خود مصلحت شعر است، چگونه می‌تواند کتاب شعرش را به مسلخ اصلاح برود. گرچه خوب می‌دانیم و می‌دانند که مسئله نه اصلاح که مصلحت است. مصلحت‌اندیشان بر مسند نظرات و ارزیابی نشسته‌اند تا همچون ارباب‌قدرت بر اصحاب‌معرفت نظاره کنند و احتمالاً موراً از ماست بیرون بکشند. بنظر می‌رسد این اقدام که آن را به خیر هم تبدیل کرده و رسانه‌ای می‌کند، واجد یک پیام است. این پیام که مهم نیست نویسنده کتاب چه شأن و جایگاه علمی و آکادمیکی دارد و مقام دانشگاهی، سواد و آگاهی او چقدر است. همه باید از فیلتر وزارت ارشاد رد شوند. وزارتخانه‌ای که حتی اگر لازم باشد، استاد را هم ارشاد می‌کند که مهم سطح دانش و اندیشه استاد نیست؛ هم سطح بودن با تراز ارشاد است. مهم همسویی اندیشه و نگارش نویسنده با معیارهای ارشاد است، نه آنچه می‌نگارد. بنظر می‌رسد اظهارنظرها و برخی انتقادات و اعتراض‌هایی که استاد شفیعی کدکنی در حوادث سال گذشته داشته، بهانه‌ای بر نظرات و ارزیابی کتابش شده تا بهای نقدهایش را بپردازد. با این همه چندان هم عجیب نیست. وقتی مداحی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران هم کرسی شفیعی کدکنی می‌شود و همان کسوت استادی را بر تن کرده و بر همان صندلی‌ای می‌نشیند که او نشسته؛ عجیب نیست هم قبیل و قفطان او هم در وزارت ارشاد برای چاپ کتابش منصوب می‌شوند تا درباره اثر کسی نظر بدهند که شعر و ادبیات فارسی معاصر، مدیون تلاش‌های علمی اوست. آنها باید مجوز کتاب مؤلفی را صادر کنند که با مشق آثار او، شعر و ادبیات را شناختند (اگر شناخته باشند). جالب اینکه طی چنددهه است که صاحب‌نظران و اندیشمندان از استقلال حوزه فرهنگ و هنر از دولت و سیاست‌های دولتی سخن می‌گویند و بر ضرورت آزادی بیان و اندیشه، اما دولت سیزدهم و وزارت ارشادش گویی در یک مقاومت در برابر این نگاه، حصار نظرات و ارزیابی‌ها را سخت‌تر و خطرناک‌تر می‌کند تا وزارت فرهنگ و ارشاد را به شعبه دوم گشت‌ارشاد و پلیس فتا تبدیل کند. استادی که بی‌شمار دانشجو در حوزه شعر و ادبیات پروراند و همواره به‌عنوان چهره شاخص ادبیات در دانشگاه‌ها و محافل ادبی حضور داشته و شناخته شده و کتاب‌هایش مرجع شناخت شعر و ادب فارسی است، حالا باید برای صدور مجوز چاپ کتابش در نوبت وزارت ارشاد باشد تا کسانی که سن، سابقه و سوادشان در ادبیات از کتاب‌ها، مقالات و اشعاری که استاد سروده، کمتر است، اثرش را بخوانند تا با مجوز چاپ آن موافقت کنند. کسی را که خود معیار ارزیابی شعر و ادبیات است را به محک ارزیابی نشسته‌اند. ترازوی تخیل قه آنجاست که به جای رسیده‌ایم که رهروان باید راهبر و نظارت و احتمالاً هدایت کنند؛ ترازوی که از حد بگذرد، کمدی می‌شود!

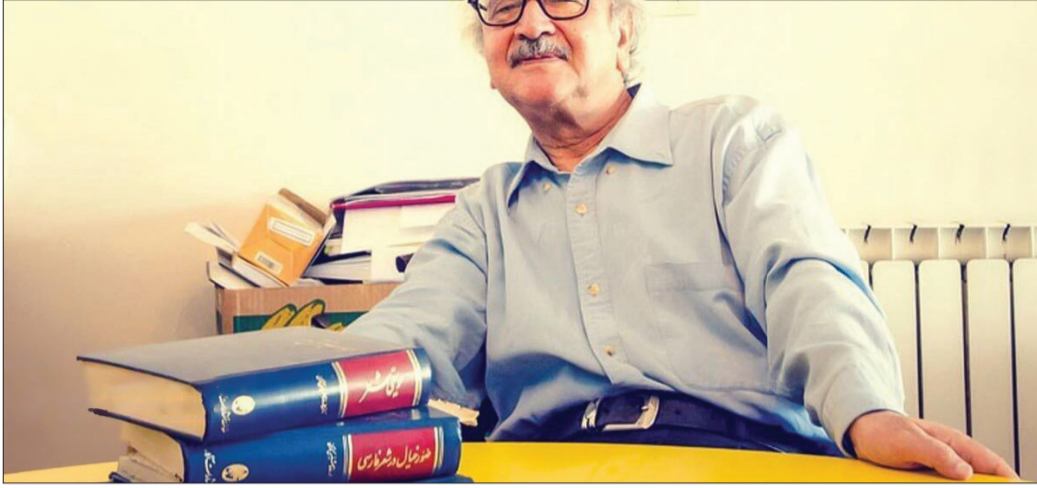
۲۴ ساعت

۱۶

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline
https://t.me/hammihanonline
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسی • مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی • سردبیر: محمد جواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل) • علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الهه ابراهیمی (خبر) • آرش خاموشی (عکس) • هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • مدیر هنری: مهدی قربانی تبار • جروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی • مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری • تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۵ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸، لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲



ممیزی استناد؟

از ارائه مجموعه شعر محمدرضا شفیعی کدکنی برای کسب مجوز به چند نفر از اهالی شعر تا تکذیب خبر از سوی معاونت فرهنگی وزارت ارشاد

ارشاد هیچ گونه ارزیابی کیفی و علمی‌ای درباره آثار ندارد، در هیچ حوزه‌ای؛ نه در حوزه ادبیات، نه حوزه‌های دیگر و مسئولیت‌محتوایی و کیفی آثار بر عهده نویسنده است. ارشاد به مصوبه ۶۶۰ شورایی انقلاب فرهنگی به‌عنوان دبیر خانه هیئت‌نظارت عمل می‌کند، اگر مواردی مغایر با آن مصوبه وجود داشته باشد، آن را تذکر می‌دهد که اصلاح شود. اما کیفیت آثار در هیچ زمینه‌ای مربوط به ارشاد نمی‌شود و نویسندگان خودشان مسئولیت کیفیت، ادعاها و مطالبی را که ارائه می‌کنند، بر عهده دارند.»

ارشاد هیچ گونه ارزیابی کیفی و علمی‌ای درباره آثار ندارد، در هیچ حوزه‌ای؛ نه در حوزه ادبیات، نه حوزه‌های دیگر و مسئولیت‌محتوایی و کیفی آثار بر عهده نویسنده است. ارشاد به مصوبه ۶۶۰ شورایی انقلاب فرهنگی به‌عنوان دبیر خانه هیئت‌نظارت عمل می‌کند، اگر مواردی مغایر با آن مصوبه وجود داشته باشد، آن را تذکر می‌دهد که اصلاح شود. اما کیفیت آثار در هیچ زمینه‌ای مربوط به ارشاد نمی‌شود و نویسندگان خودشان مسئولیت کیفیت، ادعاها و مطالبی را که ارائه می‌کنند، بر عهده دارند.»

مجموعه شعر محمدرضا شفیعی کدکنی؛ شاعر، نویسنده و استاد زبان و ادبیات فارسی، صادق دانست‌اش. از ظهر دوشنبه، ۲۷ آذرماه که خبر آمد محمدعلی مرادیان، مدیرکل دفتر توسعه کتاب و کتابخوانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره وضعیت صدور مجوز مجموعه شعر جدید شفیعی کدکنی به ایسنا گفته است: «کتاب را به چند نفر از اهالی شعر داده‌اند تا بخوانند و نظرشان را بگویند.» که واکنش‌های بسیاری برانگیخته شد؛ واکنش‌هایی که از جمله آن‌ها می‌توان به توثیق محمدرضا جواد یگانه و عباس عبدی اشاره کرد. این واکنش‌ها سرانجام منجر به توثیق از سوی یاسر احمدوند، معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌عنوان نقطه‌ای پایانی این ماجرا شد. او نوشت: «استاد شفیعی کدکنی از مفاخر ادبی ایران است و هیچ محدودیتی برای انتشار آثار ایشان وجود ندارد. همه این اتفاقات در حالی رخ داده است که محمدرضا شفیعی کدکنی از معدود قلم ادبیات فارسی است که هم‌چنان ساکن ایران است و هم‌چنان مشغول فعالیت و رخ دادن آن چه ذکر شد، موجب طرح این پرسش می‌شود که چه کسی را می‌توان هم‌پا و هم‌شان اویافت که بتواند بر آثار شفیعی کدکنی نظارت و برای انتشارشان مجوز صادر کند؟»

چهار شفیعی کدکنی، چه شاعری جوان؛ اعجاب نیاز مندی به مجوز

رضا ضایع، پژوهشگر ادبیات فارسی و موسیقی ایرانی با اشاره به اینکه این اتفاق را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد به «هم‌میهن» گفت: «هنگام انتشار اظهارات مدیرکل دفتر توسعه کتاب و کتابخوانی در مورد «ارائه کتاب محمدرضا شفیعی کدکنی به چند نفر از اهالی شعر برای آنکه این اثر را بخوانند و نظرشان را بگویند»، تقریباً مطمئن بودم این اظهارات به سرعت به گونه‌ای تکذیب خواهد شد. چرا که ظاهر مسئولان دولتی ما به‌شکلی عجیب نسبت به او ایثار نشان دادن برای اصلاح آن می‌شود که از جمله نمونه‌های اخیرش می‌توان به اتفاق پیش آمده برای صادق بنامتجد، ملقب به صادق بوفی اشاره کرد.» این پژوهشگر ادبیات فارسی با اشاره به بخش دوم این اتفاق افزود: «بنظر من بازبینی و بررسی مجموعه اشعار شفیعی کدکنی که اکنون ویرال شده، همان قدر عجیب است که دیگر اتفاقات ویرال نشده حوزه نشر، ممیزی در مورد تمام متون، چه نظم و چه نثر عجیب است و تنها منحصر به شفیعی کدکنی نیست. این کار دقیقاً مصداق آن بیت از حافظ است که می‌گوید: هر کونگشت مهر و خوبی گلی نچید/ در رهگذار یاد نگهبان لاله بود. کار این مجوزدهندگان دقیقاً «در رهگذار یاد، نگهبان لاله بودن» است و مشخص نیست می‌خواهند جلوی چه چیزی را بگیرند؟» رضا ضایع با اشاره به مطرح شدن این سوال که «چه کسی قرار است بر اشعار محمدرضا شفیعی کدکنی نظارت کند؟»، ادامه داد: «طرح این سوال گویی بر این پیش فرض استوار است که بر اشعار دیگران، باید نظارت و برایشان مجوز صادر کرد، حال چه کسی را بپاییم که هم‌سنگ و هم‌پای شفیعی کدکنی باشد تا بر اشعار او نظارت کند؟ در حالی که این نظارت از اساس عجیب است.» او بیان اینکه این سیستم صدور مجوز برای خود حاکمیت هم در دروس است، افزود: «تا زمانی که چنین سیستمی وجود دارد، صادرکنندگان مجوز نیز گاه‌ب‌گاه با این اتهام مواجه می‌شوند که چرا به فلان اثر مجوز داده‌اند در حالی که اگر این گونه نبود اساساً نیازی هم به پاسخگویی نداشتند.» او با اشاره به اینکه خبر مذکور در مورد محمدرضا شفیعی کدکنی به دلیل صاحب‌نامی‌اش، برای همگان عجیب بود اشاره کرد که شاعران بسیار دیگری هم در میان جوانان هستند که اثری در چه یک تولید می‌کنند و در روند صدور مجوز با مشکل مواجه می‌شوند اما صدای‌شان به جایی نمی‌رسد.

ممیزان چه کسانی هستند؟

یاسر احمدوند، معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جز اشاره به اینکه «استاد شفیعی کدکنی از مفاخر ادبی ایران است و هیچ محدودیتی برای انتشار آثار ایشان وجود ندارد»، به نکته دیگری هم اشاره کرده است: «اصولاً

www.hammihanonline.ir

نگاه منتقد

تنها کتاب شعر نیست انسان در این روزگار زیر دست و پا است



حسین گنجی

روزنامه‌نگار

سخت است برای کسانی که مخاطبان کلمه و روزنامه هستند و لابد حتماً شفیعی کدکنی را می‌شناسند بخواهی او را و شأن کلمه را و اهمیت ادبیات را، یعنی همین قدر موارد بدیهی را توضیح دهی و سخت‌تر از این، آن است که این همه را در یک یادداشت برای کسی که گویا هیچ وقت مخاطب چنین اموری نبوده است که می‌گوید کتاب شعر شفیعی کدکنی را به اهالی شعر داده‌ایم تا بررسی کنند، نمایان سازی، حال فکر کنید در چنین وضعیتی، نگارنده چه دارد بگوید، جز به قول معروف ما هیچ، ما نگاه. گویا ادبیات به خصوص شعر برای چنین لحظات پارادوکسیکال و تراز یکی به دنیا آمده باشد. نقطه‌ای که ما دست‌مان از مطلوبیت خالی است و واقعیت در عریان‌ترین حالت خود هر روز پیش چشم ما در حال اعلام موجودیت است. تنها رویا و پناه‌بردن به کلمات و خارج شدن از بند زمان و مکان شاید بتواند به ما ساعتی و قدری مجال و فرصت تحمل کردن و زیستن بخشد و از آنچه درست نیست، سر جای خود نیست، فارغ‌مان کند. لحظاتی که گویی یا درون گودالی افتادی که هیچ راه نجاتی نیست، یا سرزمین گودال‌ها تو را احاطه کرده‌اند و قدم از قدم نمی‌توان برداشت. این جمله اساساً بیهانه است و البته نمایانگر یک وضعیت بسط‌پر که ما در آن گرفتار آمده‌ایم. وضعیت ناکارآمد آموزش که به ما، به آن مدیر و به آن اهالی مثلاً شعر و بسیاری که در ایجاد چنین شرایط به‌نحوه دخیل بودند و هستند، یاد ندارد چطور با بزرگان خود برخورد کنیم. شرایطی که در یک تصویر کلی مثل آب و محیط زیست ما، همه از سر ناآگاهی و کم‌دانستی بر این سرزمین حادث شده است. اگر یکی از نشانه‌های کاهش ذخیره آب در کشور فرونشست زمین و ایجاد بزرگ چاله‌هاست، یکی از نشانه‌های سقوط خورد و کم‌دانشی هم فروکشیدن بزرگان کشور و بر مسند نشاندن فرومایگان و کم‌دانشان است. هر کدام از این اظهارنظرها و اتفاقات حکم همان فرونشست‌های زمینی و گودال‌ها را دارند که علامت‌روشن وضعیتی است که سرزمین ما بدان دچار شده است. یکی از مسائلی که در اثر برداشتن بی‌رویه آب زیرزمینی و هدر دادن آن رخ می‌دهد، فرونشست زمین است. حال اگر از یک جامعه مرتب‌تر خبر، دانش و اهل اندیشه‌اش را حذف کنی و هدر دهی، همین پیش می‌آید که با آن امروز مواجهیم؛ که اثر استادی باید به‌دست شاگردانی که در بهترین حالت اگر شاگرد شعر، کلمه و استاد باشند، بیفتد. این تنها یک کتاب شعر نیست، گویی انسان است که به زیر و دست‌وپا افتاده است. بزرگوار گفته‌اند اهالی، فهم همین واژه اگر در آموزش این کشور درست ادا می‌شد، منتقل می‌شد، ترجمه می‌شد و تدریس می‌شد، شاید امروز در این نقطه نبودیم. کلمه‌ای که ادبیات جهان برای جا انداختن‌اش، شازده کوچولو را خلق کرده است که اهالی‌شدن را مراتب آن را به خوبی و سادگی توصیف می‌کند. البته که از آنچه در چند دهه اخیر در آموزش این کشور کاشته شده است، محصولی جز این هم نمی‌توان انتظار داشت. مگر آموزش غیررسمی و مگر ادبیات باقی مانده ذخایر ارزشمند ما در آن حوزه بتواند ما را از این وضعیت نجات دهد. شفیعی کدکنی و معدودی دیگر، آخرین ذخایر ادبی و آخرین ریسمان‌های حفظ شاکله بنای شکسته بسته فرهنگ ایران معاصر هستند که باید از آنها پاسداری کرد و این وظیفه تک‌تک کسانی است که هنوز دل‌بسته این خانه، این سرزمین و این فرهنگ باقی مانده‌اند.

چهره

حمایت فیلمساز دونا بیتی از مردم غزه

فیلمساز آمریکایی-ایرانی هنگام دریافت جایزه امی، سخنرانی خود را به تریبونی برای حمایت از مردم فلسطین بدل کرد. «یارا علم‌جویی» در مراسم امی برنامه‌های روزانه که دوشنبه برگزار شد، موفق شد تا جایزه امی را در بخش برنامه لایف‌استایل از آن خود کند. او که با شبکه الجزیره قطر همکاری می‌کند، این جایزه را برای هنر خود در ارائه فرهنگ مردم کسب کرد که در برنامه‌ای با عنوان «با یارا غذا بخورید» تصویر شده است. علم‌جویی که دوره ایران - آمریکایی است، مراسم دریافت جایزه را به یک سخنرانی تمام‌عبار علیه اسرائیل بدل کرد و از همکاری‌اش یاد کرد که اسرائیل در جریان کشتار مردم غزه، آنها را هم کشته است. او گفت: «نمی‌توانم این جایزه را دریافت کنم و از ترازوی مردمان غزه و همکارانم یاد نکنم که هنگام پوشش خبری این رویدادها توسط اسرائیل کشته می‌شوند. ما تصویربرداران را از دست دادیم و همکار دیگرمان مجروح شد که همسر فرزندان قبل از این در حمله دیگر سربازان اسرائیلی کشته شده بودند.»

